

علائم و نشانه‌های ظهور بارویکرد آسیب‌شناسی اخلاقی

محمدجواد فلاح^۱

چکیده

آسیب‌های اخلاقی که در مواجهه با گزارش‌های نقل شده در مورد نشانه‌های ظهور صورت می‌گیرد از چند بعد قابل بررسی است. بعد اول نوع مواجهه با این علائم و نشانه‌هاست، شایعه‌سازی، نقل بدون سند، بیان ناقص و ناتمام و تحلیل و تفسیر ناموجه و بدون مبنا از جمله مسائلی است که بدون ملاحظات اخلاقی صورت می‌گیرد. مسئله بعد، عدم تفسیر صحیح و درست و نوع برداشتی که از این پیشگویی‌ها و به‌ویژه روایات مربوط به نشانه‌ای ظهور است بیشترین مشکلات را در بردارد که این خود، زمینه‌ساز آسیب‌های اخلاقی چون: تنبلی، رخوت، ناامیدی، تردید و دودلی، رفتارهای احساسی و پیش‌بینی‌ناپذیر در رفتارهای منتظران می‌شود؛ امیدواری، نشاط، تلاش معقول، امید، آگاهی و دیگر مسائل اخلاقی نتیجه مواجهه خردمندانه و اخلاقی با پیشگویی‌های آخرالزمان است.

از این‌رو مسائل اخلاقی مربوط به پیشگویی‌ها را می‌توان در چند مرحله مصور ساخت، مرحله اعتبار، فهم، تفسیر و تبیین، و انتقال مربوط به گزاره‌ها و پیشگویی‌های آخرالزمان و پیامدهای غیراخلاقی مواجهه ناصحیح و غیراخلاقی با پیشگویی‌های ظهور و در مقام عمل و رفتار که هم شامل بُعد فردی و هم شامل بُعد اجتماعی خواهد بود. ما ضمن اشاره به قسمت اول به شکل تفصیلی‌تر به مباحث عملی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی مهدویت، آسیب‌های اخلاقی، پیشگویی‌های آخرالزمان، نشانه‌های ظهور، اخلاق انتظار.

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم (mjfalalah.ac@gmail.com).

مقدمه

مسائل مهدویت به خاطر ویژگی‌های خاصی که این آموزه بنیادین شیعه در بردارد با چالش‌های فراوانی روبروست. این چالش‌ها ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی دارد. یکی از این عرصه‌ها مسئله آسیب‌ها و چالش‌های اخلاقی است که حائز اهمیت است.

آمدن امامی که در سایر ادیان وعده آمدنش داده شده و از او به عنوان مصلح جهانی یاد می‌کنند و بشریت را به ساحل عدل و اخلاق و آرامش می‌رساند و در همه ادیان با تعبیر مختلف از آن یاد شده از مهم‌ترین مسائل بنیادین بشری است که تصویری متفاوت از آن در آموزه‌های شیعه و مکتب امامیه شده است. از مهم‌ترین مسائلی که مورد دغدغه مذهب تشیع است نشانه‌های ظهور این امام موعود موجود است که هم اکنون دارای حیات و براساس آموزه‌های دینی در غیبت به سر می‌برد و براساس مصالحی وجود فیزیکی و ظاهری او برای انسان‌ها آشکار و پیدا نیست.

چنین غیبت و عدم ظهوری در بین مومنان و شیعیان و به ویژه با این اعتقاد که قطعاً روزی به اذن پروردگار پرده از غیب خواهد گشود و بر ما عیان خواهد شد از مهم‌ترین دغدغه‌های شیعیان است و اهمیت مسئله را خاص و صد چندان می‌سازد. متون دینی و به ویژه روایات چنین روزگاری را تصویر کرده و آمدن امام موعود را همراه با نشانه‌هایی مقرون ساخته که با شکل‌گیری و ظهور چنین نشانه‌هایی آمدن امام صورت خواهد گرفت.

این نشانه‌ها در دو قسم نشانه‌های حتمی و غیرحتمی تقسیم شده و بزرگانی با چنین تقسیم‌بندی و مبتنی بر منابع و متون روایی آن را تفسیر و ترسیم کرده‌اند. (مفید، ۱۳۱۴ق: ج ۲، ۳۷۰) هرچند برخی محققین از لزوم تقسیم علائم ظهور به علائم حتمی و غیرحتمی سخن گفته‌اند (مهدی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۵) و این خود تقسیم مناسبی است ولی خود این تقسیم‌بندی - و البته نوع تبیین و ارائه آن - می‌تواند برخی از نشانه‌ها و علائمی که می‌تواند روح انتظار را در انسان برانگیخته سازد را در سطح علائم غیرحتمی فرو کاهیده و اعتبار آن را دچار خدشه سازد. به نظر می‌رسد صراحت در چنین تقسیمی خود، چالش‌ساز باشد و نشانه‌هایی چون برخی آسیب‌های اخلاقی را که در عداد نشانه‌های غیرحتمی قرار می‌گیرد دچار نگاهی درجه دومی ساخته باعث خاموش شدن و به سردی گراییدن روح انتظار و افول اخلاقی افراد شود چون آنان همواره در انتظار نشانه‌های حتمی روزگار را سپری و تا زمان تحقق نشانه‌های حتمی خود را ایمن و آسوده خواهند دانست از این جهت در مقام عمل ممکن است نسبت به برخی

نشانه‌ها و علائم بی تفاوت شوند. نشانه‌های حتمی یا قطعی عبارتند از: خروج سفیانی؛ خسف بیداء؛ صیحه آسمانی؛ قتل نفس زکیه؛ خروج و قیام یمانی و سید خراسانی.^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۲؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۲-۶۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، باب ۲۵، علائم الظهور)

در بسیاری از روایات برخی ویژگی‌های جزئی و نیز علائم غیرحتمی نیز بیان شده است که مسائل مختلفی را به میان می‌آورد. جدای از مطلب مذکور این نشانه‌ها به جهت نوع گزارش و محتوایی که در بر دارند چالش‌ها و آسیب‌هایی را پیش روی جوامع اسلامی و به ویژه شیعیان قرار داده و در صورت عدم فهم دقیق چنین معارف و تفسیر صحیح آنها این آسیب‌ها دامن اجتماع شیعیان را فراخواهد گرفت. مهم‌ترین این آسیب‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های اخلاقی است که در چند مقام قابل ارائه و بررسی است. بررسی تأثیر نوع پژوهش‌های مهدویت و به ویژه در بحث علائم ظهور از جهاتی حائز اهمیت است و می‌تواند به عنوان یک امر مقدماتی حائز اهمیت است که این مقاله فعلاً درصدد آن نیست و در جای خود قابل بررسی است؛ صرفاً از باب تذکر و در ارتباط با این بحث می‌توان اذعان کرد که بیان نشانه‌ها و علائم ظهور مبتنی بر میراث حدیثی ماست. از آن جهت که مسائل مهدویت و به ویژه مسئله نشانه‌ها و علائم ظهور تأثیر به‌سزای اعتقادی و بینشی از یکسو و تأثیرات عاطفی و هیجانی از سوی دیگر و همچنین تأثیرات شگرف رفتاری و اخلاقی بر افراد می‌گذارد باید مورد اهتمام جدی محقق قرار گرفته و به شکل اجتهادی و دقیق به سندشناسی آن پردازد. اگر مسائل فقهی به شدت مورد اهتمام مجتهدین است و هیچ تسامحی در اسناد و مدارک و راویان احادیث به خرج نمی‌دهند، معارف مهدوی و به ویژه نشانه‌های ظهور، محتاج بررسی‌های جدی در مقام تحقیق و پژوهش است. سهل‌انگاری در بررسی سند و واکاوی سندی، یکی از آسیب‌های جدی اخلاقی است که بیشتر متوجه مهدوی پژوهان و محققین مهدوی است که باید نسبت به آن جدیت لازم را مبذول دارند.

هرچند بنای بزرگان شیعه توجه به روایات و سندشناسی آنها و نهایتاً دستیابی به اعتبار آنهاست اما در طول تاریخ نسبت به برخی از این روایات تسامح صورت گرفته است فارغ از

۱. به عنوان نمونه فقط به یک روایت از امام صادق علیه السلام که به جهت سندی و اعتبار محققین مهدویت آن را تایید نموده‌اند اشاره می‌کنیم: «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام خَمْسَ عِلَامَاتٍ مَخْتُومَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخُسْفُفُ بِالْبَيْدَاءِ؛ پیش از قیام قائم پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و سفیانی و صیحه و قتل نفس زکیه و فرو رفتن در (سرزمین) بیداء.»

این که انگیزه چنین تسامحی چه بوده و یا چه علت‌هایی سبب بروز چنین سهل‌انگاری گردیده ولی این چنین رویکردی یکی از چالش‌های اخلاقی در حوزه پژوهش‌های مهدوی به‌ویژه در مورد علائم و نشانه‌های ظهور است.

از جمله آسیب‌هایی که باز در مقام تحقیق و پژوهش و فهم معارف مهدوی و به‌ویژه نشانه‌های ظهور اتفاق می‌افتد سهل‌انگاری در فهم است که می‌توان آن را از مصادیق بی‌اخلاقی در پژوهش‌های مهدوی دانست.

مشکل دیگر، گاهی در تجزیه و تحلیل دلالت روایاتی که نشانه‌های ظهور را بیان کرده‌اند، افراد، دچار سهل‌انگاری شده و دقت کافی را به خرج نمی‌دهند. از این‌رو دست به تحلیل‌های بی‌مبنا و مخالف با اصول اساسی دین و شریعت می‌زنند.

آن‌چه می‌توان به‌عنوان آسیب‌شناسی اخلاقی نشانه‌های ظهور، مورد توجه قرار داد برداشت‌ها و تفسیرهای ناصوابی است که زمینه بروز رفتارهای غیراخلاقی و ناشایست در مورد مسئله ظهور است که حائز اهمیت و قابل بررسی است؛ بین ظهور چنین رفتارهایی با مسئله سهل‌انگاری در مسئله انتقال معارف مهدوی به‌ویژه بیان نشانه‌های ظهور به معنای درست و کوتاهی در تبلیغ این معارف ارتباطی تنگاتنگ است باری ما با تأکید به دریافت‌های غلط و نگاه اخلاقی مهم‌ترین این آسیب‌ها را مورد توجه قرار می‌دهیم. این آسیب‌ها در دو بخش عمده قابل ارائه است؛ آسیب‌هایی که در ساحت فردی قابل بررسی است و آسیب‌هایی که منجر به بروز رفتارهای غیراخلاقی در جامعه منتظر می‌گردد.

چالش‌های اخلاق فردی

رابطه انسان بر حسب طرف رابطه، به چندگونه شکل می‌گیرد: رابطه با خالق و رابطه با مخلوق. رابطه با مخلوق نیز یا با خود است و یا با دیگری، و آن دیگری نیز یا انسان است و یا موجودی غیر بشری. بر این اساس، علم اخلاق مشتمل بر حوزه‌های مختلفی خواهد بود؛ مانند اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست‌محیطی. (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲) بیشترین توجه ما در این جا، اخلاق فردی و اجتماعی است.

در رابطه با خود؛ (اخلاق فردی) آراستگی و اتصاف به فضایل نفسانی مطرح است که بخشی از مباحث اخلاق را تشکیل می‌دهد. اخلاق فردی نیز ارزش‌های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان‌ها است که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد؛ مانند فضیلت‌های صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت نفس، و رذیلت‌های پُرخوری، شتاب‌زدگی و سُبُک‌مغزی. (همان)

اما مهم‌ترین چالش‌های اخلاقی در پیشگویی‌های آخرازمان حوزه رفتارها و عواطف انسان‌ها را در بر خواهد گرفت، که منجر به بروز ناهنجاری‌های فردی اجتماعی خواهد شد. این مشکلات و چالش‌ها در دو حوزه قابل تقسیم‌اند یکی حوزه فردی و دیگری اجتماعی؛ اگر اخلاق را در این‌جا مجموعه‌ای از صفات پایدار و رفتارهای ارتباطی بدانیم، شخصی که باورهای صحیحی در زمینه مهدویت و تعالیم مهدوی نداشته باشد دچار مسائل اخلاقی عدیده‌ای خواهد شد که بدان خواهیم پرداخت آسیب‌های فردی هرچند از یک منظر دامن فرد را می‌گیرد ولی تأثیرات اجتماعی و جمعی آن را نمی‌توان انکار کرد؛ به هر روی نشانه‌های نقل شده در منابع و متون دینی زمینه ظهور و بروز برخی چالش‌ها و صفات رذیله اخلاقی را در افراد ایجاد می‌کند که محصول عدم فهم درست از نشانه‌های ظهور و تطبیق آن با شرایط است. در این مقام شخص با مواجهه با نقل‌ها و گزارش‌هایی که در منابع از نشانه‌های ظهور آمده یا تفاسیر غلطی که ممکن است به جهت سهل‌انگاری در سند و یا فهم و دلالت این متون دامن‌گیر برخی محققین می‌شود متأثر گردیده و دچار آسیب شود؛ به تعبیر رساتر آن چه زمینه انحراف‌های اخلاقی در فرد و جامعه را در زمینه مسائل مربوط به ظهور و به‌ویژه نشانه‌های ظهور رقم می‌زند سوء برداشت‌های فکری و علمی است که به شکل ناقص و نارس به عموم جامعه منتقل می‌شود. ضمن آن‌که برخی آموزه‌ها در صورت عدم مدیریت رفتار و فهم عمیق آن به ایجاد روحیه‌های نامطلوب اخلاقی خواهد انجامید که برخی از مهم‌ترین موارد آن را بررسی می‌کنیم.

۱. خودفریبی، عجب و غرور

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که مسئله پیشگویی‌ها و تفسیر غلط آن به جهت فردی افراد را گرفتار می‌کند فریبکاری و خودفریبی است. خودفریبی که یک ویژگی روحی و اخلاقی است اموری موهوم را برای شخص زیبا جلوه کرده و شخص براساس انگاره‌های خود برای خود جایگاهی رفیع قائل می‌گردد؛ از طرفی چنین شخصی به خاطر فهم غلط از آموزه‌های عمیق مهدوی خود را از مصادیق یکی از نشانه‌ها دانسته و دست به فریبکاری می‌زند و افراد را گرد خود جمع می‌آورند. در روایاتی که بیانگر آمدن امام موعود است نشانه‌هایی ذکر شده که این نشانه‌ها باعث ایجاد توهم برای افراد در معرفی کردن خود به‌عنوان یکی از شخصیت‌های زمان ظهور گردیده؛ این چهره‌ها به‌ویژه در غالب بیان چهره‌های موثر مثل یمانی یا نفس زکیه و دیگران گردیده است؛ چنین خودفریبی و توهم‌زایی تا جایی صورت گرفته که برخی با سوءاستفاده از معارف مهدوی و نشانه‌هایی که برای آمدن مردی برای برپایی عدل سخن

رفته است مدعی شده‌اند که خود، امام موعود هستند.

محصول چنین خودفربیی را حتی در زمان حضور حجت خدا نیز می‌توان رصد نمود. «سبایه» و کیسانیه محصول چنین رویکردی است که عده‌ای به واسطه خطا در فهم، غیر از امام زمان علیه السلام را امام زمان دانسته‌اند. در زمان غیبت کبری ما با چالش بیشتری مواجهیم (عرفان، ۱۳۹۲: ۳۰) و در زمان غیبت کبری نیز چنین ادعاهایی بیشتر خود را نشان می‌دهد. مهم آن‌که بسیاری از این مدعیان، برخی نشانه‌های نقل شده و پیشگویی‌هایی که در باره امام موعود ذکر شده را محمل چنین خودفربیی ساخته و به چنین ادعاهایی دست می‌زدند. این‌که تا چه اندازه نشانه‌ها و علامات ظهور و پیشگویی‌ها باعث ایجاد چنین انحرافات گردیده محتاج پژوهش مستقلی است باری تأثیر فهم و تفسیر انحرافی افراد در زمینه‌سازی آسیب‌های اخلاقی که محصول تفکر اخلاقی آنهاست مورد نظر ما در این تحقیق است. تا جایی که افراد در مقام سوءاستفاده از بیان نشانه‌ها و ویژگی‌های یاران عصر ظهور خود را مصداق آن دانسته و با دامن زدن به چنین برداشت خیالی و وهمی، مدعی جایگاه‌های این‌چنینی می‌شوند و رفته رفته در دام غرور و ادعاهایی چون مهدویت می‌افتند. نمونه بارز آن شخصیت علی محمد شیرازی معروف به باب است که خود را باب و سپس مهدی نامید و سپس پا را فراتر گذاشته خود را فصلی نو در نبوت خواند تا جایی که کتاب خود را ناسخ قرآن نامید.

برخی محققین، ضمن گونه‌شناسی مدعیان دروغین، مشخصه‌های رفتاری و اعتقادی آنان را مورد توجه قرار داده و با بیان ویژگی‌هایی چون عقل‌گریزی، خرافه‌پرزدی، عوام‌زدگی، خودمحوری و شخصیت‌محوری، تعصب، هوی‌محوری، تظاهر به زهد، برخی از نمودهای رفتاری ایشان را به تصویر کشیده است. (همان: ۴۳)

۲. ناامیدی و اضطراب

ناامیدی و اضطراب، محصول فروریختن بنیان امید و آرزوست و فروریختن بنیان آرزو محصول شک و تردید است. تردید و شک یک حالت فکری است که به قلب و دل نیز سرایت کرده و باعث اضطراب روحی می‌گردد. محصول چنین حالتی یاس و ناامیدی نسبت به آینده است که امری اخلاقی و روحی است. شک، بنیان‌های اعتقادی و ایمانی افراد را ویران و انسان را از نظر اخلاقی و رفتاری نیز دچار خسران و آسیب می‌سازد. یکی از عواملی که به ویژه در بحث پیشگویی‌های مربوط به حضرت حجت منجر به بروز چنین حالتی می‌شود برداشت‌های ناصواب و تفسیر غلط منطبق با نشانه‌هایی است که برای آخرالزمان ذکر شده است. شخصی که با تفسیر غلط و ناموجه از نشانه‌ها و علائم ظهور و پیشگویی‌های آخرالزمان مواجه می‌شود؛

در درون او یک نوع توقع و روحیه امیدوارانه در بحث آمدن امام ایجاد می‌شود و چون چنین تطبیقی که به وسیله برخی افراد ناآگاه صورت گرفته و افراد، انتظار تحقق آن را در شرایط پیش‌بینی شده‌ای توسط افراد موجه دارند به یکباره دچار تزلزل روحی شده و بنیان امید و آرزوی شان فرو ریخته و به ناامیدی و اضطراب و شک و دو دلی می‌انجامد، محصول چنین فرایندی مسائل سوء اخلاقی دیگر نیز خواهد بود از جمله بدبینی به دین و علمای دینی و حتی معارف مهدوی؛ در برخی موارد کینه، لجبازی و صفات مذموم دیگر نیز از طریق چنین فرایندی صورت خواهد گرفت.

البته در برخی روایات از چنین ناامیدی و یاس مفرطی رمزگشایی شده است که می‌توان مسئله ناامیدی و یأس را با دو رویکرد مثبت و منفی بررسی کرد به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام فرمود: «ان هذا الامر لا یاتیکم الا بعد ایاس» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۷۰) که بیانگر آن است که امر فرج به امت نمی‌رسد مگر پس از یأس و ناامیدی؛ در تبیین چنین نگاهی به مسئله یأس باید بین تحقق یأس به عنوان یکی از نشانه‌ها و این که شخص هیچ‌گونه امیدی به امر فرج نداشته باشد فرق گذاشت به تعبیر دقیق‌تر گاهی جریان عالم و شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که بسیاری از امر فرج ناامیدند ولی گاهی چنین ناامیدی محصول سستی در بنیان‌های اعتقادی و عواملی اختیاری است. در این جا نیز باید بین شرایط و نشانه‌ها تفکیک قائل شد و به واسطه خلط این دو در مسیر غیر اخلاقی گام نهاد. نکته در این مسئله آن است که با بیان غلط نشانه‌ها و ایجاد انتظار کاذب در افراد و عدم تحقق آنها ما افراد را دچار یأس و ناامیدی و شک در امر فرج و تحقق جامعه آرمان مهدوی نیافکنیم.

از این رو در ادامه روایت مذکور، چنین یأسی بیشتر تبیین می‌شود و با بیان این که مسئله انتظار به عنوان یک امتحان و آزمایش و جداکننده خوب و بد و سعید و شقی است از چنین یأسی رمزگشایی می‌کند؛ گو این که در چنین انتظار و شرایط دشوار، ایمان مؤمنان، محک زده شده و بسیاری به خاطر عدم تحقق فرج، دچار یأس و ناامیدی شده گو باور خود را از آمدن امام موعود موجود از دست می‌دهند؛ چنین امری محصول شرایطی است که در عالم محقق می‌شود باری نبایست از طریق پیشگویی‌های ناروا و تفاسیر ناشایست چنین زمینه‌هایی را رقم بزنیم.

۳. تنبلی و عافیت طلبی

تفسیر غلط نشانه‌های ظهور، گاه شخص را در یک حالت استند آپ قرار می‌دهد به این معنا که گویی تا وعده‌های الهی در فراهم شدن شرایط ظهور و تحقق آن نشانه‌ها صورت نگیرد

نباید هیچ اقدامی کرد و منتظر تحقق وعده الهی ماند تا پس از ایجاد حکومت منتظر اصلاحات و شرایط اصلاحی صورت گیرد. چنین رویکردی باعث یک حالت تنبلی و سستی شده و افراد را از تکاپو و تلاش برای اصلاح خود و جامعه باز می‌دارد. گویی قرار است یک معجزه اتفاق بیفتد تا در خود احساس تغییر کند. از طرفی شخص به خاطر عدم تحقق نشانه‌ها و این که متوقع است در شرایطی خاص این نشانه‌ها اتفاق بیفتد دچار تفسیر غلط شده و به واسطه همین تفسیر غلط نسبت به مسئولیت‌های اخلاقی خود سرباز می‌زند.

در روایات نیز چنین دغدغه‌ای مورد توجه است، ما با دو تفسیر غلط و به معنای صحیح‌تر دو رویکرد که منبعث از حالت روحی و درونی افراد است مواجهیم؛ یکی حالت استعجال و شتاب‌زدگی که منجر به تفسیر غلط از معارف و شرایط آخرالزمان است و دیگری بی‌تفاوتی و یک حالت ایستایی که امیرالمؤمنین علیه السلام هردو را آسیب‌شناسی نموده‌اند:

... واستعینوا بالله واصبروا إن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین،
لا تعاجلوا الامر قبل بلوغه فتندموا، ولا یطولن علیکم الامد فتقسو قلوبکم. (مجلسی،
۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۲۳)

آسیب اول: استعجال است به این معنی که قبل از رسیدن موعد، شتاب‌زده در پی تحقق آن باشیم؛ این شتاب‌زدگی زمینه بسیاری از کج‌فهمی‌ها و انحرافات را فراهم خواهد کرد؛
آسیب دوم: طولانی آمدن امر فرج و یک حالت بی‌تفاوتی نسبت به آن که باعث قساوت قلب شده و انسان را نسبت به امام و مسئله ظهور و آمدن منجی، بی‌تفاوت می‌سازد. آسیب اول، زمینه انحراف و اقدامات نامناسب و آسیب دوم، زمینه بی‌تفاوتی است که هر دو طرفین افراط و تفریط در امر فرج است. البته این دو مسئله نتیجه برداشت غلط از انتظار مطلوب نیز می‌باشد که باز می‌تواند محصول برداشت‌های غلط از برخی نشانه‌های ذکر شده در منابع روایی باشد.

آسیب‌های اخلاق اجتماعی

ارتباط با همنوع را می‌توان اخلاق اجتماعی نامید، مراد از اخلاق اجتماعی؛ ارزش‌ها و ضد ارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌ها است؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان، محبت، تواضع، ایثار، نوع‌دوستی، حسد و تکبر. برخی نیز معتقدند مجموعه فضایل و ردائیلی است که در روابط اجتماعی فرد و چگونگی تعامل او با دیگران بررسی می‌شود؛ فضایی نظیر: تواضع و فروتنی، خوش‌رویی، خوش‌زبانی، مردم‌دوستی، وفای به عهد، امانت‌داری،

راستگویی، عفو و بخشش، قدرشناسی، حلم و بردباری؛ و رذایلی مانند: تکبر، خیانت، حسادت، خشم، فریبکاری، ریاست‌طلبی، دروغ‌گویی و بدگمانی. (فناپی اشکوری: ۵۳)

البته باید توجه داشت فضایل اخلاق اجتماعی از یک منظر فردی هستند و آن‌هم به این اعتبار که این صفات و ویژگی‌های اخلاقی ابتدا در فرد نهادینه شده و به‌عنوان یک صفت اخلاقی در شخص نهادینه می‌شود، از طرفی آثار چنین صفاتی در فرد تأثیر به‌سزایی خواهد گذاشت مثلاً صفاتی چون تواضع یا مهربانی اثر بسیار مطلوبی در ارتقای کمالات فردی خواهد گذاشت و باعث سعادت فردی او می‌گردد و یا صفات مذمومی چون غرور و خشم هرچند در ارتباط با دیگران معنا پیدا می‌کند باری تأثیر به‌سزایی در تخریب روحیه و اخلاق فرد خواهد گذاشت. با این توجه به برخی از آسیب‌های اخلاق اجتماعی در ارتباط با نشانه‌های ظهور می‌پردازیم.

۱. مسئولیت‌گریزی اخلاقی

بیشترین آسیبی که از مسیر تفسیر غلط از نشانه‌های ظهور اتفاق می‌افتد آن‌ها و آسیب‌های اجتماعی است که افراد را دچار عافیت‌طلبی و رخوت در مسئولیت‌های اجتماعی می‌کند. اینان معتقدند تا نیامدن امام زمان و تحقق نشانه‌های ظهور هیچ مسئولیت اجتماعی و جمعی متوجه آنان نیست و همواره باید در انتظار حضرت ماند تا ایشان خود بیاید و به اصلاح امور بپردازد. در آموزه‌های دینی ما نصیحت و خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه دین و معصومان علیهم‌السلام قرار گرفته است. با چنین تفکری انحرافی چنین ویژگی از جامعه مسلمین رخت خواهد بست و ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی در چنین بی‌تفاوتی محو خواهد گردید. به‌ویژه این‌که عصر انتظار محصولش عقل و اخلاق است و با آمدن امام عقول مردم سیراب و اخلاق‌شان کمال می‌یابد فهم غلط از مقوله انتظار و انتظار تحقق نشانه‌ها آنان را دچار یک رخوت اجتماعی و بی‌تفاوتی می‌سازد. به‌عنوان نمونه این روایت قابل تحلیل و بررسی است: امام صادق علیه‌السلام به یکی از شاگردانش به نام سدیر فرمود:

يَا سَدِيرُ الزَّم بَيْتِكَ وَ كُنْ جُلَسَاءً مِنْ أَخْلَاسِيهِ وَ اسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ فَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَ لَوْ عَلَي رَجُلِكْ؛

ای سدیر ملازم خانه‌ات باش و چون پلاسی (از پلاس‌های خانه که روی زمین انداخته‌اند) باش (یعنی از خانه بیرون مرو) و تا شب و روز آرامش دارند تو هم آرام و ساکت باش، و چون به تو خبر رسید که سفیانی خروج کرده (بی‌درنگ) به سوی ما کوچ کن اگر چه پای پیاده باشی. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷:

توجه به چنین روایتی بدون آن که درباره آن تدبر و تفکر شود و مقصود حقیقی آن فهم شود افراد را دچار یک راحت طلبی و آسودگی خیال می‌کند، گویی افراد در این شرایط هیچ مسئولیتی متوجه آنان نیست و باید جانب انزوا را گرفته و دست به هیچ اقدامی در جهت اصلاح امور نزنند. آیا به راستی عقل و منطق و اخلاق چنین مطلبی را می‌طلبند؟ تفسیر صحیح از روایات و توجه به مجموع روایات چنین مطلبی را بر نمی‌تابد. حال آن که برخی افراد به واسطه بسنده کردن به چنین روایاتی خود را ملزم به تلاش اجتماعی نمی‌دانند. شاید انجمن حجتیه محصول چنین تفکری است، حال آن که در بسیاری از آموزه‌های دینی، به مسئولیت‌های اجتماعی و از جمله امر به معروف اشاره شده و از طرفی براساس مبانی فکری و عقیدتی آن چه بایستی با روح انتظار همراه باشد صلاح و سداد است نه انفعال و بی‌مسئولیتی. برخی چنان دچار برداشت غلط شده و نشانه‌ها و احادیثی که در این زمینه آمده را بد تفسیر نمودند که هر حرکت اصلاحی اجتماعی را محکوم ساختند؛ برخی به روایاتی مثل حدیثی که از امام باقر علیه السلام فرمود:

كل رایة ترفع قبل قیام القائم فهی طاغوت؛ (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۷، ۶۵؛ همو، ۱۴۰۹: ج ۱۱، ۳۷)

هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن پرچم طاغوت است.

استناد کرده و هر حرکت اصلاحی و اجتماعی را محکوم می‌کنند؛ در حالی که ضمن بررسی سندی و بررسی حجت این روایات، دلالت آنها را باید در مجموع روایات بررسی نمود. چگونه می‌توان چنین مطلبی را با توصیه‌های اکید امامان با ظلم و ستم جمع نمود؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

من مدح سلطانا جائرا و تخفف و تضعضع له طمعافیه کان قرینه فی النار؛ (همان: ج ۱۲، ۱۳۳)

کسی که سلطان ستم‌گری را تمجید کند و در برابر او فروتنی نماید تا در کنار او به نوایی برسد، چنین کسی همنشین آن سلطان در آتش دوزخ خواهد بود.

از دیگر سو ما در بحث ظهور، همواره توصیه معصومان را در آمادگی برای ظهور و یک حالت مسئولیت را داریم. به عنوان نمونه در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

لیعدن لخروج المهدي ولوسهما؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۶۶)
هر یک از شما برای قیام قائم علیه السلام هرچند با تهیه کردن یک تیر باید آماده گردد.

این روایات نشان می‌دهد بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی، رخوت و عافیت‌طلبی نمی‌تواند محصول و رهاورد انتظاری باشد که نشانه‌هایش در منابع و متون روایی ذکر شده است.

۲. افسار گسیختگی اخلاقی

دیدگاه افراطی‌تری که تفاسیر غلط از انتظار و تفسیر غلط روایات پیشگویی‌های آخر الزمان را تهدید می‌کند افسار گسیختگی اخلاقی است که این خود دو مرحله دارد؛ نخست رضایت به مفاسد و جریان‌های ضد اخلاقی؛ و دوم اقدام و عمل در جهت ترویج فساد و بی‌بندوباری اخلاقی؛ در نگاه نخست انسان مومن به شرایط مفسده‌انگیز و آن‌چه در اطرافش از اقسام فسادهای اخلاقی صورت می‌گیرد راضی است. او ضمن این که ظلم را بر می‌تابد و به فسادهای اطرافش راضی است در دل آرزو می‌کند چنین فساد می‌گیرد و همه جا را تباهی، ویران کند! آیا به‌راستی چنین اندیشه و روح پلیدی می‌تواند روح منتظر باشد؟ آیا الفبای قواعد اخلاقی و انسانی، چنین مطلبی را پذیراست؟ آن‌چه مسلم است نه عقل و نه وجدان و نه روح شریعت که هرسه بنیان‌ها و ریشه و معیار اخلاقی زیستن ماست چنین مطلبی را بر نمی‌تابد، از این خوفناک‌تر اندیشه‌ای است که مبتنی بر همین پیشگویی‌ها و روایات نقل شده در بحث آخر الزمان و تفسیر ناروایی که از آن دارند خود را ملزم به گسترش فساد و جور در زمین می‌دانند و نه تنها خود را در برابر فسادها و جورها منفعل که براساس آموزه‌هایی که پیشگویی کرده‌اند که تازمانی که فساد عالم را فراگیرد امام ظهور نمی‌کند دست به ترویج فساد و ظلم زده و به گسترش آن کمک می‌کنند تا امر ظهور زودتر محقق شده و امام زودتر قیام کنند.^۱

اینان از این روایات و نشانه‌ها این‌گونه برداشت کرده‌اند که آن‌چه اسباب و نشانه آمدن امام منتظر است فساد و ظلم فراگیر است پس چون این‌چنین است باید در ایجاد اسباب آمدن حضرت که همین گسترش فساد است مدد یاری کرد و جامعه را به فساد و نفاق و رذالت مبتلا ساخت.

تفسیر و فهم غلط این روایات باعث شده عده‌ای گسترش ظلم و فساد را از شرایط ظهور تلقی کنند و برخی نیز چنین گسترش فساد را از علائم و نشانه‌های ظهور بدانند که این نیز غلط است چرا که باید نشانه‌ها را در کنار یکدیگر دید و روایات مربوط به ظهور را در کنار یکدیگر تفسیر نمود.

۱. «فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا» این روایت با عبارات متعدد در منابع روایی ما آمده است؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳۴۱، مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۲۶۸، ۳۶، ۳۵۹، ۵۱، ۲۶۰، ۵۲، ۱۵۱.

نتیجه گیری

تحلیل اخلاقی روایاتی که زمان ظهور امام عصر علیه السلام را پیشگویی کرده و نشانه‌های آن روزگار را بیان کرده‌اند از منظر اخلاقی در چند بُعد قابل بررسی است. آسیب‌شناسی اخلاقی این روایات و نشانه‌ها دو جهت دارد یکی در بحث سند و دلالت که هر دو حائز اهمیت است و محقق و پژوهشگر مهدوی را مواجه با یک مسئولیت اخلاقی عظیم در سه مؤلفه سندشناسی و اعتبار سندی، مسئولیت در فهم و در نهایت تبیین و انتقال دلالت صحیح روایان بیانگر نشانه‌های ظهور می‌سازد، چنین امری آسیب اخلاقی سهل‌انگاری در مباحث مهدوی را از این منظر پیشگیری می‌کند. جهت دوم، مسائل و نتایج عملی و رفتاری است که بر کج‌فهمی و یا تفسیر غلط از چنین سهل‌انگاری تحلیلی صورت می‌گیرد. این آسیب اخلاقی و رفتاری که محصول تفسیر غلط از روایات مربوط به پیشگویی‌های آخرالزمان است هم جنبه‌های فردی را شامل می‌شود که ضمن آسیب‌هایی مثل خودفریبی، غرور و عجب زمینه فساد اجتماعی و فریب دیگران را نیز در بر دارد. از طرفی کسانی که دچار فهم غلط در پیشگویی‌ها می‌شوند همواره در دودلی، شک، اضطراب، امیدهای واهی، و گاهی دچار یأس و ناامیدی می‌شوند که همه نتیجه برداشت‌های غلط از نشانه‌های ظهور است. در نهایت بی‌مسئولیتی اجتماعی و عافیت‌طلبی نسبت به مسائل اخلاقی و اجتماعی و در مرحله‌ای شدیدتر رضایت به فساد در جامعه و حتی اقدام در گسترش فساد نتیجه برداشت‌های غلط و تفسیرهای ناصواب از پیشگویی‌های آخرالزمان است.

توجه به ابعاد اخلاقی پیشگویی‌های آخرالزمان و نشانه‌های ظهور، ضمن توجه و اهتمام پژوهشگران مهدوی به مسئله نشانه‌ها آنان را در دسترسی به تفسیر درست این متون و گزاره‌ها و ارائه بسته صحیح معرفتی کمک خواهد کرد تا با حساسیت بیشتری و با نگاه آسیب‌شناسانه معارف مهدوی را مرور و با حساسیت بیشتری آن را به تشنگان حضرت مهدی علیه السلام ارائه کنند.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، ابواحمد، *تقریب التهذیب*، دهلی، مطبع فاروقی، ۱۲۹۰ق.
- ابوزهره، محمد، *تاریخ مذاهب اسلامی*، مترجم علیرضا ایمانی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- جمعی از نویسندگان، *چشم به راه مهدی*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- حرعاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
- _____، *اثبات الهداة*، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- الحسنی، سیدنذیر یحیی، *مصلح جهانی از نظریه تا تحقق*، مترجمان ابراهیم خاکپور و محمد صالحی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- ذهبی، شمس الدین محمدبن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۱ق.
- رضوانی، علی اصغر، *موعودشناسی و پاسخ به شبهات*، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.
- صدر، سیدمحمد، *تاریخ الغیبة الكبرى*، قم، دارالکتاب الاسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۲۷ق.
- _____، *تاریخ ما بعد الظهور*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
- _____، *موسوعة الامام المهدي*، قم، دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
- _____، *متی يظهر الامام المهدي*، قم، دار الزهراء، ۱۴۲۷ق.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، *کمال الدین وتمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق. (نرم افزار جامع التفاسیر نور)
- _____، *المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴. (نرم افزار جامع التفاسیر نور)
- طوسی، محمدبن الحسن، *کتاب الغیبة*، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق. (نرم افزار شیخ طوسی نور)
- عرفان، امیرمحسن، *قبیله تزویر*، بنیاد فرهنگی امام مهدی موعود علیهم السلام، قم، ۱۳۹۲.
- عمار عبودی، نصار، *اخبار الملاحم والفتن واثرها فی العقلية العربية والاسلامیه حتی نهایه العصر الاموی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۳۰ق.

- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کورانی، علی، *معجم احادیث المهدی*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت، اول، ۱۴۱۰ ق.
- _____، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، *معارف مهدوی*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۸۵.
- مفید، محمد بن محمد بن النعمان، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق. (نرم افزار شیخ مفید نور)
- مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی*، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰.
- مهدی پور، علی اکبر، *لزوم تفکیک علائم حتمی ظهور از علائم غیر حتمی*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.